

پیشینه رجعت‌نگاری در شیعه و تحلیل کمیت و کیفیت آن

سیدنسیم حیدر زیدی^۱

چکیده

مسلمانان به ویژه شیعیان به موضوع رجعت از عصر پیامبر اکرم ﷺ توجه داشته‌اند؛ به گونه‌ای که شیعیان اغلب در اثبات آن و اهل سنت در نفی آن کوشیده‌اند. اختلاف شیعه و سنی در نفی و اثبات رجعت و ردیه آن توسط چند نفر از نویسندگان شیعی! نشان از آن دارد که رجعت هم‌چنان نیازمند بازخوانی است. نگارنده بررسی پیشینه رجعت‌نگاری اسلامی را در پیچه‌ای برای حل مسأله پیش گفته می‌داند؛ موضوعی که کم‌تر به آن توجه شده است؛ در نتیجه، مقاله حاضر با این پرسش مواجه می‌شود که پیشینه رجعت‌نگاری در شیعه، چه کمکی به حل مسأله نفی و اثبات رجعت می‌کند؟ (سؤال) رجعت‌نگاری در دوره‌های مختلف، تابعی از اوضاع زمانه بوده و لذا کم‌تر به بررسی سندی روایت‌های رجعت، توجه شده است. (فرضیه) بررسی رجعت‌نگاری در قرن‌های مختلف، به قصد نشان دادن فراز و نشیب‌های آن و لزوم توجه به درست‌نگاری در آن صورت می‌گیرد. (هدف) تحلیل تاریخی در دو بخش نگاه کمی و کیفی به موضوع رجعت‌نگاری، شیوه‌ای است که این مقاله برای عرضه پاسخ سؤال برگزیده است. (روش) لزوم بازنگری سندی در احادیث مربوط به رجعت که در پرتو پرهیز از کلی‌گویی روی می‌دهد، می‌تواند تصویر جدی‌تری از رجعت را نشان دهد. (یافته)

واژگان کلیدی

رجعت، شیعه، سنی، معصومین، بدعت و آخرالزمان.

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه ﷺ.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۳

مقدمه

رجعت عبارت است از رجوع و بازگشت عده‌ای از مردگان به این دنیا در آخرالزمان پیش از قیامت. رجعت مسأله‌ای اعتقادی و تقریباً ناشناخته است و مردم به آن امر، آگاهی کافی و مستند صحیح ندارند. پس تا آگاهی عمیق از این مسأله به دست آید، ضرورت این پژوهش اجتناب‌ناپذیر است. با بررسی عمیق رجعت در طول تاریخ شیعه، درمی‌یابیم که این مسأله در همان آغاز طرح و گسترش آن توسط معصومان علیهم‌السلام دو نوع عکس‌العمل متفاوت را در جامعه اسلامی در پی داشته است: از طرفی شیعیان و اصحاب خاص ائمه علیهم‌السلام، به واسطه پیروی از آن بزرگواران، درصدد اثبات آن و ردّ ادله مخالفان برمی‌آمدند. از طرف دیگر، بعضی از مخالفان شیعه، این مسأله را نوعی بدعت دانسته، به شدت با معتقدان به آن برخورد می‌کردند و شاید به علت همین تأکید و نیز مخالفت آنان بود که رجعت‌نگاری در زمان امامان علیهم‌السلام و توسط اصحاب خاص آنان آغاز گردید. این پژوهش، بر آن است تا ثابت کند که عقیده رجعت یک عقیده مسلم و شفاف است که عالمان در طول تاریخ برای اثبات آن کتاب‌های زیادی نوشته‌اند.

تاریخچه مباحث رجعت

مطالعه تاریخی در مورد یک پدیده، می‌تواند تصویر روشنی از آن در ذهن ایجاد کند و بسیاری از کج‌اندیشی‌های موجود را پاسخ دهد. از این رو، با توجه به مستندات تاریخی، می‌توان سه دوره برای مباحث رجعت در بستر تاریخ در نظر گرفت:

۱. دوره پیدایش

این دوره از عصر رسالت تا سال ۹۵ قمری شهادت امام سجاد علیه‌السلام را در برمی‌گیرد. رجعت را اولین بار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با عنوان خروج مطرح کردند و در زمان امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام از آن به رجعت تعبیر شد. در میان عبارات حضرت علی علیه‌السلام در

پیشینه رجعت‌نگاری در شیعه و تحلیل کمیت و کیفیت آن ▶ ۷۹

نهج البلاغه، از این کلمه با معنای اصطلاحی آن استفاده نشده؛ اما در بعضی از روایاتی که در کتبی همچون **بحارالانوار** به آن حضرت منسوب شده، استفاده آن حضرت از این لغت با معنای اصطلاحی آن نقل گردیده است. (مجلسی، بی‌تا، ج ۵۳: ۴۷)

امام حسین علیه السلام قبل از شهادت به یارانش فرمود:

بشارت باد بر شما بهشت! پس به خدا قسم آن مقدار که خداوند بخواهد در قبر خواهیم ماند، سپس وقتی قائم ما ظهور می‌کند، خدا مرا و شما را از قبر بیرون می‌آورد؛ سپس قائم علیه السلام از ظالمان انتقام می‌گیرد درحالی‌که ما و شما شاهد آن هستیم. (ابن شاذان، ۱۷: ۱۴۰۹)

ابو خالد کابلی نیز از امام سجاد علیه السلام نقل کرده که آن حضرت در تفسیر آیه شریفه «ان الذی فرض علیک القرآن لرادک لی المعاد»؛ آن که قرآن را بر تو فرض نمود، تو را به معاد و بازگشتگاه برمی‌گرداند (قصص: ۸۵) فرمود:

«یرجع الیکم نبیکم»؛ یعنی پیامبرتان بار دیگر به سوی شما برمی‌گردد. (مجلسی، بی‌تا، ج ۵۲: ۵۶)

خلاصه این که در این عصر، رجعت به عنوان یکی از اسراری که در آینده اتفاق خواهد افتاد، به اصحاب خاص ائمه علیهم السلام گفته می‌شد و کم‌کم آن را شیوع دادند و مدتی طول کشید تا اذهان عموم با آن انس گرفت؛ از این رو، در این مرحله، از استدلال و نقد و رد آن خبری نیست و عمده مطالب طرح شده، درباره رجعت‌کنندگان بوده است.

۲. دوره رشد و بالندگی

سال‌های بین شهادت امام سجاد علیه السلام تا ابتدای غیبت صغرا در سال ۲۶۰ قمری را می‌توان دوره بالندگی اندیشه رجعت تلقی کرد. یکی از ویژگی‌های این دوران، موضع‌گیری برخی از اهل سنت درباره اعتقاد به رجعت است. در مقابل، ائمه دین با تمسک به آیات قرآن، از عقیده به رجعت دفاع می‌کردند. در زمان امام صادق علیه السلام این مخالفت به اوج خود رسید، به طوری که همه مذاهب اهل سنت در مقابل شیعه، با چنین

عقیده‌ای به ستیز برخاستند که امام صادق علیه السلام با استدلال‌های قوی از کیان این اعتقاد دفاع می‌نمودند. (مجلسی، بی‌تا، ج ۴۰: ۵۳)

تشکیل مناظرات و طرح سؤالاتی از طرف خلفای وقت در مباحث مختلف اسلامی، یکی از ویژگی‌های این عصر بود. آن‌ها می‌خواستند با طرح این‌گونه مناظرات و سؤالاتی مختلف، ائمه دین را تضعیف کنند؛ مانند سؤالات مأمون. حسن بن جهم گوید:

روزی مأمون به امام رضا علیه السلام عرضه داشت: «ای ابوالحسن، نظر شما در مورد رجعت چیست؟» حضرت فرمودند: «اعتقاد درستی است و این رجعت مسأله جدید نیست؛ در امت‌های گذشته هم بوده و قرآن درباره آن سخن گفته و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: "هرچه در امت‌های گذشته بوده، در این امت نیز خواهد بود به‌سان جفت بودن نعل با نعل و گوش با گوش؛" یعنی دقیقاً آنچه در امت‌های گذشته اتفاق افتاده، در این امت هم اتفاق می‌افتد و رجعت یکی از آن موارد اتفاق افتاده در امت‌های گذشته بوده است.»

۳. دوره تکامل و گسترش

در این دوره (از ۲۶۰ قمری به بعد) به تدریج اعتقاد به رجعت، به عنوان یکی از شعارها و ممیزات شیعه از اهل سنت درآمد که فرمایش شیخ مفید دال بر این مطلب است که فرمود: خداوند شماری از امت محمد صلی الله علیه و آله را بعد از مرگشان و پیش از برپایی قیامت برمی‌انگیزد و این اختصاصات مذهب آل محمد است. (شیخ مفید، بی‌تا: ۳۲)

نویسندگان اهل سنت، هنگام معرفی شیعه و شخصیت‌های مهم آن، اعتقاد به رجعت را یکی از ویژگی‌های آنان برمی‌شمردند. در این دوره، اندیشه‌وران شیعه برای گسترش این اعتقاد در میان مردم و دفاع از آن، دو عمل سابق را به‌طور گسترده ادامه دادند:

الف) نگارش کتاب‌ها و مقالات علمی؛

ب) تشکیل مناظرات با اهل سنت.

پیشینه رجعت‌نگاری در میان شیعه

منظور از رجعت‌نگاری در این جا، کتاب‌ها و رساله‌هایی است که به طور مستقل به مسأله رجعت پرداخته‌اند. با بررسی مسأله رجعت در طول تاریخ شیعه، درمی‌یابیم که این مسأله در همان آغاز طرح گسترده آن توسط ائمه علیهم‌السلام دو نوع عکس‌العمل متفاوت را در جامعه اسلامی در پی داشته است: از طرفی شیعیان و اصحاب خاص به واسطه پیروی از آن بزرگواران، درصدد اثبات آن ورد ادله مخالفان برمی‌آمدند. از طرف دیگر، بعضی از مخالفان شیعه این مسأله را نوعی بدعت دانسته، به شدت با معتقدان به آن برخورد می‌کردند. شاید به علت همین تأکیدات ائمه علیهم‌السلام و نیز مخالفت مخالفان بود که رجعت‌نگاری از زمان ائمه علیهم‌السلام و توسط اصحاب خاص آنان آغاز شد و توسط دانشمندان شیعه هنوز ادامه دارد آنان کتاب‌های فراوانی در این زمینه نگاشته‌اند که بیش‌تر آن‌ها در طول تاریخ با گذشت زمان و هجوم اشرار به منازل علمای شیعه از بین رفته است. (خادمی شیرازی، ۱۳۷۰: ۲۱۳) لذا در ادامه، به کتاب‌های موجود اشاره می‌کنیم:

الف) کتاب‌های اختصاصی تأیید کننده رجعت

بالغ بر صد کتاب در این زمینه شناسایی شده است؛ از جمله:

۱. اثبات الرجعه از شیخ حیدر ابواسد از اصحاب امام صادق علیه‌السلام (طبسی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۵۸)؛

۲. الرجعه: ابویحیی احمد بن داود بن سعید فزاری جرجانی از اصحاب امام هادی علیه‌السلام (احمد بن علی، ۱۴۱۸: ۳۷)؛

۳. اثبات الرجعه، از فضل بن شاذان از اصحاب امام هادی و عسکری علیه‌السلام؛

۴. حذو النعل بالنعل، از همو؛

۵. الرجعه و احادیث‌ها، از همو؛

۶. چهل حدیث از غیبت، از همو؛

۸۲ ◀ سخن تاریخ / شماره ۲۰_ پاییز و زمستان ۱۳۹۳

۷. الرجعه، از ابی نصر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاشی؛
۸. الرجعه، از شیخ صدوق (احمد بن علی، ۱۴۱۸: ۳۵۲)؛
۹. حذو النعل با النعل، از شیخ صدوق؛
۱۰. اثبات الرجعه، از حسن بن یوسف بن مطهر علامه حلی؛
۱۱. اثبات الرجعه، از حسن بن سلیمان بن خالد؛
۱۲. الرجعه والرد علی اهل البدعه، نوشته حسن بن سلیمان بن خالد حلی (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۹۲)؛
۱۳. اثبات الرجعه و وجوبها من التلاوه و السنه، نویسنده ناشناخته و پس از قرن هشتم؛
۱۴. اثبات الرجعه، نوشته محقق کرکی نورالدین علی بن حسین بن عبدالعالی؛
۱۵. اثبات الرجعه، از شیخ شرفالدین یحیی بحرانی؛
۱۶. اثبات وجوب الرجعه و تفریح الکربه عن المنتقم لهم الرجعه، از سید امیر محمود فتح الله کاظمینی؛
۱۷. اثبات الرجعه و ظهور الحججه والاخبار الماثور فیها عن آل محمد، از سید امیر مومن بن دوست محمد حسینی استرآبادی؛
۱۸. اثبات الرجعه، از سید محمد باقر سبزواری، نویسنده کفایه و ذخیره المعاد؛
۱۹. دعائم الدین و کشف الریبه فی اثبات الکره والرجعه، از محمد محسن بن محمد حسین بن عنایت الله بن زین العابدین مشهدی؛
۲۰. رجعت، از سلمان بن محمد گیلانی تنکابنی (عاملی، ۱۳۶۲: ۵)؛
۲۱. الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، از محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین حر عاملی؛

پیشینه رجعت‌نگاری در شیعه و تحلیل کمیت و کیفیت آن ▶ ۸۳

۲۲. *حیات الاموات*، از آقا جمال‌الدین محمد بن آقا خوانساری؛
۲۳. *اثبات الرجعه*، از علامه محمدباقر مجلسی؛
۲۴. *اثبات الرجعه*، از سلطان محمود بن غلام علی طبسی از شاگردان علامه مجلسی (تهرانی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۴۸)؛
۲۵. *الرجعه*، از سیدهاشم بحرانی، صاحب *تفسیر برهان*؛
۲۶. *اثبات الرجعه*، از حسن بن عبدالرزاق لاهیجی؛
۲۷. *ارشاد الجهله المصرین علی انکار الغیبه والرجعه*، از محمد هاشم شاهرودی خراسانی؛
۲۸. *رساله فی بقاء النفس ورجعتها بعد موت الجسد*، از احمد بن ابراهیم درازی بحرانی؛
۲۹. *الرجعه*، از شیخ عبدالله بن الحاج صالح بن جمعه بن علی بن شعبان؛
۳۰. *احیاء السنه واماته البدعه*، از سید دلدار علی بن محمد بن سید عبدالهادی نقوی نصرآبادی (صاحب، ۱۹۱۴: ۶۰)؛
۳۱. *بشاره الفرج*، از ملا محمد بن عاشورا کرمانشاهی؛
۳۲. *نور الانوار در آثار ظهور و رجعت ائمه اطهار*، از علی اصغر بروجردی؛
۳۳. *الرجعه*، از شیخ احمد بن زین‌الدین احسائی؛
۳۴. *الغیبه والرجعه*، از یکی از شاگردان احمد احسائی؛
۳۵. *اثبات الرجعه*، از شیخ سلیمان بن احمد آل عبدالجبار قطیفی (قمی، ۱۳۲۷: ۲۰۳)؛
۳۶. *الرجعه واحادیثها المنقوله عن اهل العصمه*، از سید احمد بن حسن بن اسماعیل بن ابراهیم؛

۸۴ ◀ سخن تاریخ / شماره ۲۰_ پاییز و زمستان ۱۳۹۳

۳۷. الحاشیه علی اثبات الرجعه، سید میرعلی نقی سامان؛
۳۸. الامامیه والرجعه، از میرزا عبدالرزاق همدانی؛
۳۹. مسأله رجعت و ظهور در آیین زرتشت، از صادق هدایت؛
۴۰. نورالابصار فی رجعه بیت النبی المختار، از محمد بن عیسی بن محمد بن علی بن حیدر شروکی مجیروای؛
۴۱. احادیث الرجعه، از سید محمد حسن صدر بن هادی موسوی عاملی کاظمینی آل صدرالدین (حسین، ۱۳۲۳: ۱۲)؛
۴۲. رساله فی قتال اهل القبله وانکار الرجعه، از ابی احمد عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی؛
۴۳. آیات الرجعه، از میرزا محسن عماد مشهوریه خوشنویس و متخلص به اردبیلی؛
۴۴. سیف الانتقام فی حکومت آل قائم محمد، از ابراهیم بن محمد باقر سخنور؛
۴۵. الرجعه، از نعمت الله لاریجانی (طبسی، ۱۴۰۰: ۱۱۷)؛
۴۶. الرجعه، از احمد بن صالح بن طوق قطیفی؛
۴۷. رسال الغیبه والرجعه، از محمد علی بن حسن علی حائری سنقری همدانی؛
۴۸. دحض البدعه من انکار الرجعه، از همو؛
۴۹. تحفه اهل الایمان لصاحب العصر والزمان، از محمد بن عبد علی بن محمد الجبار؛
۵۰. اثبات الرجعه، از میر محمد عباس بن علی اکبر موسوی تستری لکهنوی؛
۵۱. عقیده رجعت، از سید محمد عبادت نقوی؛
۵۲. الکره والرجعه فی اثبات الرجعه بالبیان العصری، از سید محمد صادق بن باقر بن

پیشینه رجعت‌نگاری در شیعه و تحلیل کمیت و کیفیت آن ▶ ۸۵

محمد موسوی هندی (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱۷: ۲۹۱)؛

۵۳. رساله در بیان رجعت ائمه علیهم‌السلام، از حبیب‌الله شریف بن علی مدد کاشانی؛

۵۴. رساله الفصول المهمه فی مسأله الرجعه، از عبدالرحیم بن محمدتقی نجمی
خوبی؛

۵۵. مهدی و مسأله رجعت، از سیدابوالحسن مولانا؛

۵۶. جوهر المنضود فی اثبات الرجعه الموعود، از احمدیان بن محمدحسن بیان
الواعظین اصفهانی؛

۵۷. الرجعه والظهور، از محمد طیب زاده؛

۵۸. الايقاظ الامه من الضعجه فی اثبات الرجعه، از سید محمدمهدی بن محمد
موسوی اصفهانی کاظمینی؛

۵۹. بعث الاموات قبل ظهور الحجه، نوشته محمداقرب بهاری (تهرانی، ۱۴۰۴، ج ۱:
۲۰۱)؛

۶۰. پژوهش الرجعه، از سید الطاف حسین بن شرف‌الدین رئیس شمس‌آباد؛

۶۱. سلاسل الحديد علی عنق عبدالوهاب فرید، از عبدالرزاق مجتهد حائری
اصفهانی؛

۶۲. الدمعه الساکبه، از محمداقرب بن عبدالکریم دهدشتی بهبانی نجفی؛

۶۳. الايمان والرجعه، از محمدعلی بن محمدجواد شاه‌آبادی؛

۶۴. آیات الظهور فی انتظار والفرج والسرور، از علی قلی ناصح دهخوار خانی؛

۶۵. برهان الشیعه فی اثبات الرجعه، از سیدعلی محمدعلی شرف‌الدین سنقری؛

۶۶. انیس المحجه فی کیفیه الرجعه، از محمداقرب بن حسین علی فقیه ایمانی
اصفهانی؛

۸۶ ◀ سخن تاریخ / شماره ۲۰_ پاییز و زمستان ۱۳۹۳

۶۷. تحفه الشیعه در اثبات رجعت و ظهور ائمه، از سید حسین بن نصرالله بن صادق الموسوی الحسینی الارومی (مجله کتاب ماه دین، ۱۳۸۱: ۷۷)؛
۶۸. الشموس المضيئه فی الغیبه والظهور والرجعه، از علی سعادت پرور؛
۶۹. رساله فی علائم الظهور واثبات الرجعه، از محمدحسین سمیسم؛
۷۰. رساله فی اثبات الرجعه، از محمدعلی ربانی خوارستگانی؛
۷۱. ظهور نور، از محمدجواد وزیری فرد؛
۷۲. بازگشت شهید در رجعت، از محمدجواد خراسانی؛
۷۳. رجعه، از محمدباقر بهبودی؛
۷۴. آیات الحجّه والرّجعه، از محمدبن علی بن حسن علی همدانی (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۴۷)؛
۷۵. بیداری امت در اثبات رجعت، از ابوالقاسم سحاب؛
۷۶. برهان الشیعه فی اثبات الرجعه، از شیخ عباس علی شاهرودی؛
۷۷. بشارة الرجعه یا بازگشت مردگان به دنیا، از سیدهبه الله بهشتی لاری؛
۷۸. دلائل الرجعه یا ایمان و رجعت، از حسن علامی کرمانشاهی؛
۷۹. بیان فرقان، از مجتبی قزوینی؛
۸۰. رجعت از دیدگاه قرآن کریم و عترت، از حمید نژاد؛
۸۱. اثبات الرجعه، از ملاً محمد ولی الله هاشم اشراقی سرابی تبریزی؛
۸۲. ایمان و رجعت، از سید احمدبن عنایت الله حسینی زنجانی قمی؛
۸۳. النعجه فی الرجعه، سیدمحسن نواب رضوی لکهنوی؛
۸۴. رجعت، از سیدابوالحسن رفیعی حکمی قزوینی (شریف رازی، ۱۳۵۲، ج ۳: ۴۶۶)؛

پیشینه رجعت‌نگاری در شیعه و تحلیل کمیت و کیفیت آن ▶ ۸۷

۸۵. ایمان و رجعت ، از جمال‌الدین محدث ارموی؛
۸۶. الحجج والرجعه ، از محمدبن حسین بن مهدی مهدوی سعیدی لاهیجی (حسینی، ۱۴۲: ۱۴۰۴)؛
۸۷. الزام الناصب فی اثبات الحجج الغائب جلد ۲، از علی یزدی حائری؛
۸۸. تنبیه الأئمه فی اثبات الرجعه ، از محمدرضا طبسی خراسانی نجفی؛
۸۹. پاسخ نامه ازگلی ، از فیض الاسلام سید علی‌نقی بن محمد سدهی اصفهانی؛
۹۰. رهبرگمشدگان فی اثبات الرجعه ، از فیض الاسلام سید علی‌نقی اصفهانی؛
۹۱. الشیعه والرجعه ، از محمدرضا طبسی خراسانی نجفی مشهور به فاضل طبسی؛
۹۲. مسأله رجعت ، از غلام‌حسین رضا نژاد؛
۹۳. النعجه فی اثبات الرجعه ، از سید علی‌نقی نقوی بن ابوالحسن ممتاز العلماء لکهنوی؛
۹۴. معنی الان فی کمال‌الدین و اتمام النعمه فی اثبات الرجعه لأبن بابویه قمی ، از وضاع شراره؛
۹۵. بحث حول الرجعه ، از سید محمد صدر؛
۹۶. رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی ، از محمد خادمی شیرازی؛
۹۷. مجالس شب‌های شنبه ، از تقی طباطبایی قمی (مجله کتاب ماه دین، ۱۳۸۱: ۷۹)؛
۹۸. رجعت دراندیشه شیعی ، از محمدهادی معرفت؛
۹۹. الرجعه اولعودالی الحیاه الدنیا بعد الموت ، از هیئت مرکز رساله؛
۱۰۰. داستان‌های از بازگشت ائمه به دنیا ، از سید احمد الله حسینی؛
۱۰۱. جواب به شش شبهه پیرامون مسأله رجعت ، از مولانا سید ابوالحسن؛

۱۰۲. رجعت از نگاه عقل و دین، از غلامرضا مغیثی؛
۱۰۳. تناسخ و مقایسه با رجعت، از ایرج حافظی؛
۱۰۴. اثبات الرجعه، از سید عبدالحسین حسینی بروجردی (طبسی، ۱۴۰۰: ۱۱۷)؛
۱۰۵. مسأله رجعت از دیدگاه قرآن و سنت و عقل، از سید محمدعلی موحد ابطحی اصفهانی؛
۱۰۶. الرجعه، از محمدهادی یوسفی؛
۱۰۷. رجعت یا جامعه‌شناسی، از خادمیان قزوینی رجب؛
۱۰۸. بحث رجعت از منظر قرآن مجید، از معرفت محمود؛
۱۰۹. ارزیابی رجعت پس از مرگ به استناد قرآن و احادیث، از امیر ترکاشوند؛
۱۱۰. بحث جامع پیرامون رجعت، از علی‌اکبر سیفی؛
۱۱۱. بررسی اعتقاد به رجعت در قرآن و اهمیت آن در حراست جامعه، از حبیب‌الله فلاح تقی؛
۱۱۲. بررسی و تحلیل عقلی رجعت اولیاء بعد از ظهور امام زمان (عج) و تطبیق آن با آیات و روایات، از صادق ایزدی سلمانی (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲۲: ۳۵۰)؛
۱۱۳. تلازم بین رجعت و ولایت، از مؤلف ناشناخته؛
۱۱۴. الدین والرجعه، از محمدحسن تبریزی؛
۱۱۵. الرجعه فی مصادر الفریقین، از نجم الدین طبسی؛
۱۱۶. رساله فی الرجعه، از مؤلف ناشناخته؛
۱۱۷. مناهج الوصول فی تفسیر آیات الاصول، از مؤلف ناشناخته (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲۲: ۳۵۱)؛

پیشینه رجعت‌نگاری در شیعه و تحلیل کمیت و کیفیت آن ▶ ۸۹

۱۱۸. رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث، از حسن طارمی؛

۱۱۹. رجعت از نظر شیعه، از نجم‌الدین طوسی؛

۱۲۰. رجعت، از محمدرضا ضمیری؛

۱۲۱. رجعت در آثار علامه مجلسی، از نعمت‌الله صفری فروشانی؛

۱۲۲. رجعت اهل بیت علیهم‌السلام، از دیدگاه قرآن، از شاکر اردکانی جلالی؛

۱۲۳. رجعت، از حسین شهیری (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲۲: ۳۵۲)؛

۱۲۴. رجعت، از منظر قرآن، روایات، دعا و زیارت از احمد یرنیانی؛

۱۲۵. رجعت، از ابراهیم ابراهیمی؛

۱۲۶. رجعت، یک اتفاق تا یک ضرورت، از مؤلف ناشناخته؛

۱۲۷. الرجعه عند آل محمد، از حریری عاملی اسماعیل ابراهیم.

ب) کتاب‌های غیراختصاصی تأیید کننده رجعت

لازم است به کتاب‌های دیگری که به رجعت پرداخته‌اند هم اشاره کنیم. این کتاب‌ها عبارتند از:

قرآن کریم، صحیفه سجادیه، کافی کلینی، تهذیب شیخ طوسی، من لایحضره الفقیه، عیون الاخبار، معانی الاخبار، خصال، کمال‌الدین، اعتقادات، ثواب الاعمال، عقاب الاعمال و توحید که همگی از آثار شیخ صدوق است؛ مصباح کبیر، مصباح صغیر و غیبت از شیخ طوسی، امالی فرزندان شیخ، مصباح کفعمی، خلاصه علامه، رجال نجاشی، رجال ابن داوود، فهرست شیخ، رجال استرآبادی، رجال کشی،

تفسیر علی بن ابراهیم، محاسن برقی، مزار و کامل الزیاده قولویه، کفایه محمد بن علی خزاز، رساله محکم و متشابه سیدمرتضی، قصص الانبیاء راوندی، ارشاد مفید، کشف الغمه، خرایج راوندی، مجمع البیان طبرسی، بصائر الدرجات صفار، قرب الاسناد حمیری، مشارق حافظ رجب برسی، احتجاج طبرسی، صراط مستقیم علی بن یونس عاملی، جامع الاخبار شیخ حسن طبرسی، لهوف سیدابن طاووس، مهج الدعوات و کشف المحججه سید، ارشاد القلوب دیلمی، مسکن الفوائد، شیخ زید الدین عاملی، اعلام الوری طبرسی، نهج البلاغه سید رضی، کتاب سلیم ابن قیسی هلالی، رساله شیخ حسن بن سلیمان بن خالد قمی، کتاب قائم فضل بن شاذان، دلائل حمیری، تفسیر عیاشی، عیون و محاسن شیخ مفید، دلائل النبوه، بصائر الدرجات سعد بن عبدالله، تفسیر نعمانی، کتاب واحده حسن بن محمد بن جمهور، تنزیل الیاری فصول مفید، مختصر بصائر کنز الفوائد کراچی، مزار شهید، مزار مفید، مزار ابن طاووس، رساله سعد بن عبدالله در اقسام آیات قرآن، کتاب تأویل محمد بن عباس ثقه، غیبت نعمانی، زوائد الفوائد خطیب و مناقب شیخ و..... (عاملی، ۱۳۶۲: ۲)

ج) کتاب‌های رد کننده رجعت

کتاب‌هایی را که در رد رجعت نگاشته شده می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. کتاب‌های اهل شیعه

در بررسی به عمل آمده، کتاب‌های ذیل از شیعه در رد رجعت نگاشته شده است:

الف) اسلام و رجعت: شریعت سنگلجی؛

ب) اسلام و رجعت: عبدالوهاب فرید تنکابنی؛

پیشینه رجعت‌نگاری در شیعه و تحلیل کمیت و کیفیت آن ▶ ۹۱

ج) *كشف الحق و دفع الباطل*: محمد بن جعفر گلپایگانی سنقری (مجله کتاب ماه دین، ۱۳۸۱: ۷۹).

گفتنی است این کتاب‌هایی بوده که نگارنده به آن‌ها دسترسی یافت شاید کتاب‌های دیگری وجود داشته باشد که نگارنده از آن بی‌اطلاع است.

۲. کتاب‌های اهل سنت:

الف) *الشیعه الامامیه الاثنا عشریه فی میزان الاسلام*، از ربیع بن محمد السعودی؛

ب) *جهود الالوسی فی الرد علی الرافضه*، از عبدالله بخاری؛

ج) *الصله بین التصوف والتشع*، از کامل مصطفی السببی؛

د) *ضحی الاسلام*، از احمد امین؛

ه) *اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنا عشریه*، از ناصر بن عبدالله بن علی القفقازی؛

و) *اثر التشیع علی الروایات التاریخیه فی القرن الاول الهجری*، از الدكتور

عبدالعزیز محمد نورولی؛

ز) *الشیعه و تحریف القرآن*، از محمد مال الله؛

ح) *الشیعه والتشیع*، از احسان الهی ظهیر؛

ط) *فجر الاسلام*، از احمد امین.

تحلیل منابع رجعت

منابع رجعت را از دو حیث می‌توان بررسی کرد:

الف) از لحاظ کمیت

تحلیل کمی منابع رجعت را از حیث تاریخی بررسی می‌کنیم:

۱. قبل از دوران حکومت صفویه

کتاب‌های فهرست رجال، اشعار می‌دارد که در قرن دوم، سوم و چهارم هجری، شیعیان کتب بسیاری را در اثبات رجعت نگاشته‌اند و از قرن پنجم به بعد تا دوران حکومت صفویه، کم‌تر از قرون قبلی، کتاب درباره رجعت نگارش یافته است؛ شاید به آن جهت که در قرن اول هجری، کتابی در رجعت نوشته نشده، با آن که درباره مسأله رجعت، چنان‌که از اخبار و احادیث معلوم می‌شود، در این قرن بحث شده است. در این قرن، مسلمانان سرگرم فتوحات یا رفع اختلافات داخلی بودند و هنوز هم متوجه لزوم اثبات عقیده اختصاصی خود مانند مسأله رجعت نشده یا آن‌که موانع دیگری در بین بوده و به نگارش کتابی درباره رجعت مبادرت ننموده‌اند. (عقیقی، ۱۳۲۳: ۱) اما در قرن‌های بعدی (دوم، سوم، چهارم)، به علت گسترش مخالفت‌ها و انتقادات شدید مخالفان، دانشمندان شیعی برای اثبات مسأله و گسترش آن، به نگارش کتاب‌هایی دست زدند مانند *اثبات الرجعه*؛ شیخ حیدر ابواسد از اصحاب امام صادق علیه السلام؛ (طیسی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۵۸) *کتاب الرجعه*، از حسن بن علی بن حمزه بطائنی؛ (احمدبن علی: ۱۴۱۸: ۳۷) *الرجعه*، از ابویحیی بن داوود بن سعید فزاری جرجانی، از اصحاب امام هادی علیه السلام؛ (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۱۰۰) *اثبات الرجعه*، از فضل بن شاذان از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام؛ (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۹۳) *الرجعه*، از ابی نصر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاشی؛ (احمدبن علی، ۱۴۱۸: ۳۵۲) *الرجعه*، از شیخ صدوق. (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ۱۶۳)

علت آن که در دوران بعد از قرن پنجم کتاب درباره رجعت کم‌تر از گذشته نوشته شده، آن است که رجعت را از امور ثابت شده می‌دانستند که کتب بسیاری درباره آن نوشته شده بود. لذا نگارش در آن مسأله را چندان لازم ندانسته و کم‌تر به آن توجه نموده‌اند و یا دولت‌های شیعی مانند آل بویه، بیش‌تر اهل تسامح مذهبی بودند و تعصب چندانی در گسترش مذهب نداشتند. نیز به اعتقاد مجلسی رحمته الله، یکی از علل نگارش اندک رجعت‌نگاری این است که در این دوره دانشمندان شیعه، تألیفات فراوانی درباره مسأله غیبت به رشته نگارش درآوردند و مسائل رجعت را نیز در ضمن آن بررسی کردند.

پیشینه رجعت‌نگاری در شیعه و تحلیل کمیت و کیفیت آن ▶ ۹۳

بنابراین، نیازی به تک‌نگاری در موضوع رجعت ندیدند. ایشان می‌فرماید: و اما سایر الاصحاب فانهم ذکروها فیما ضنفوا فی الغیبه و لم یفردوا لها رساله و اکثر اصحاب الکتب من اصحابنا افردوا کتاباً فی الغیبه. (مجلسی، بی‌تا، ج ۵۳: ۱۲۴)

۲. دوران حکومت صفویه

از سال ۹۰۷ تا ۱۱۳۵ قمری، برای نخستین بار، دولتی شیعی به طور فراگیر در سراسر ایران تشکیل شد و تبلیغ و گسترش تشیع را یکی از اهداف اصلی خود قرار داد. گرچه در گذشته، دولت‌های شیعه‌مذهب در ایران تشکیل شده بود، بعضی از آن‌ها مانند آل بویه (۳۲۰-۴۴۸ ق) - چنانکه گفتیم - بیش‌تر اهل تسامح مذهبی بودند و تعصب چندانی در گسترش تشیع نداشتند. بعضی نیز مانند سربداران (۷۳۷-۷۸۳ ق) فراگیر نبودند و تنها بر بخش کوچکی از کشور تسلط داشتند و شاید به همین علت، کاری در این زمینه نکردند. با بررسی رجعت‌نگاری در دوره صفویه، رشد روزافزون آن را شاهد هستیم (الیاس پور، ۱۳۶۰: ۱) - چنانکه اشاره کردیم - مانند اثبات الرجعه، آثار محقق کرکی و شیخ شرف‌الدین یحیی بحرانی؛ اثبات وجوب الرجعه تفریح الکربه عن المنتقم لهم الرجعه، از سیدامیر محمود بن فتح‌الله؛ اثبات الرجعه، آثار سیدامیر محمد مؤمن بن دوست و سید محمدباقر سبزواری؛ دعائم‌الدین و کشف‌الریبه فی اثبات الکره والرجعه، از محمد محسن بن محمد حسین؛ رجعت، از سلیمان بن محمد گیلانی تنکابنی؛ الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، از محمد بن حسن حر عاملی؛ حیات الاموات، از آقا جمال‌الدین محمد بن آقا حسین خوانساری؛ اثبات الرجعه، آثار علامه ملا محمدباقر مجلسی و سلطان محمود بن غلام علی طبسی؛ الرجعه: محمد هاشم شاه‌رودی خراسانی، رساله فی بقاء النفس و رجعت‌ها بعد موت الجسد، از احمد بن ابراهیم درازی بحرانی و الرجعه از شیخ عبدالله بن الحاج صالح بن جمعه بن علی بن شعبان. به نظر می‌رسد یکی از علل فراوانی رجعت‌نویسی در این دوره، آن است که علمای شیعه پس از طی

دوران‌های سخت، نخستین بار شاهد ظهور دولت شیعی فراگیر و مروج تشیع بودند و طبق بعضی از احادیث، این دولت را زمینه‌ساز دولت حضرت مهدی (عج) و متصل به آن به حساب می‌آوردند. علامه مجلسی در مقدمه کتاب رجعت، پس از مدح فراوان از سلطان-سلیمان صفوی، چنین می‌نگارد: امید که طناب این سلطنت عظمی، اوتاد خیام سعادت فرجام خاتم اوصیا پیوند یابد و صبح صادق این دولت کبرا تا طلوع خورشید عالم‌افروز قائم آل محمد (عج) از آسیب ظلمت فتنه‌های زمان، تیرگی نیابد. (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۱:۶)

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این دانشمندان، با نزدیک‌تر دیدن ظهور دولت یار و آماده شدن زمینه‌های آن، امید فراوانی به حضور خود و دیگر شیعیان در آن دولت داشتند و از آن جا که احتمال مرگ نیز منتفی نبود، با بررسی مسأله رجعت، در زنده نگاه داشتن این امید در خود و در میان شیعیان می‌کوشیدند. بدین ترتیب، به گمان خود وسایل کمک به آن حضرت (عج) در زمان ظهورش را فراهم آوردند.

۳. رجعت‌نگاری پس از دوران دولت صفویه

این عصر را که از زمان انقراض دولت صفوی شروع شده و تا زمان حاضر ادامه یافته، می‌توان به دو بخش تقسیم نمود بخش اول به قبل از نیمه دوم قرن چهاردهم قمری و بخش دوم بعد از این تاریخ مربوط می‌شود. ملاک این تقسیم‌بندی، مطالبی است که بعضی از نویسندگان شیعه در انکار رجعت به نگارش درآورده‌اند.

بخش اول: بعضی از کتب این بخش عبارتند از: *احیاء السنه و امامه البدعه*، از سیددردار علی؛ *بشاره الفرّج*، از ملا محمد بن عاشورا کرمانشاهی؛ *نورالانوار در آثار ظهور و رجعت ائمه اطهار*، از علی اصغر بروجردی؛ *الرجعه*، از شیخ احمد بن زین‌الدین احسانی؛ *الامامیه والرجعه*، از میرزا عبدالرزاق همدانی؛ *مسأله رجعت و ظهور در آیین زرتشت*، از صادق هدایت؛ *نورالابصار فی رجعه اهل بیت النبی المختار*، از محمد بن عیسی؛ *احادیث الرجعه*، از سید محمد صدر بن هادی موسوی؛ *تحفه اهل الایمان لصاحب العصر والزمان* علیه السلام، از محمد بن عبدعلی بن محمد بن عبدالجبار؛ *اثبات*

پیشینه رجعت‌نگاری در شیعه و تحلیل کمیت و کیفیت آن ▶ ۹۵

الرجعه، از میرمحمد عباس بن علی اکبر لکهنوی؛ رساله در بیان رجعت ائمه علیهم‌السلام، از حبیب‌الله شریف بن علی مدد کاشانی؛ *بعث الاموات قبل ظهور الحجه*، از محمدباقر بهاری و *پژوهش الرجعه*، از سید الطاف حسین بن شرف‌الدین.

بخش دوم: در آغاز قرن چهاردم هجری، سنگلجی کتابی با نام *اسلام و رجعت* منتشر ساخت که در آن به انکار رجعت پرداخته، دلایل اقامه شده بر رجعت را رد کرد. سپس در سال ۱۳۵۵ قمری، عبدالوهاب فرید کتابی به همین نام منتشر نمود و در آن به دلایل و روایات اقامه شده بر اثبات رجعت توسط مجلسی و دیگران و ذکر روایات و رد آن‌ها از نظر سندی پرداخت و رأی شریعت سنگلجی را تأیید نمود و در پایان درباره روایات رجعت، چنین اظهار نظر کرد: «اخبار رجعت نه متواتر لفظی است و نه معنوی» (فرید، ۱۳۵۵: ۱۱۴). نگارش این دو کتاب، آرامش شیعه و دانشمندان آن را برهم زد و عده زیادی از آن‌ها، در صدد رد این ادعا برآمدند و به نگارش کتاب‌هایی درباره رجعت و بررسی جوانب مختلف قرآنی، روایی، عقلی و حتی طبیعی آن پرداختند. اما افزایش رجعت‌نویسی شیعه در سی سال اخیر، معلول تهاجم شدید وهابیت و علمای سنی ضدشیعی است که کتاب‌های فراوانی علیه رجعت نوشته‌اند و عالمان شیعه، ناچار به پاسخ‌گویی شدند. البته این بدان معنا نیست که بعد از کتاب‌های شریعت سنگلجی و عبدالوهاب فرید، هر کتابی نوشته شد، در رد این کتاب‌ها یا امثال آن‌ها بوده است؛ بلکه بعضی در رد این کتاب‌ها و بعضی دیگر برای توضیح و تبیین مسأله و رفع ابهام از این موضوع و بعضی برای گسترش یکی از عقاید مهم شیعه بوده است. کتاب‌های این دوره عبارتند از:

سلاسل الحديد علی عنق، از عبدالوهاب فرید؛ *الدمعه الساکبه*، از محمدباقر بن عبدالکریم دهدشتی؛ *ایمان والرجعه*، از محمدعلی بن محمدجواد شاه‌آبادی؛ *آیات الظهور فی انتظار والفرج والسرور*، از علی قلی ناصح دهخوار؛ *برهان الشعیه فی اثبات الرجعه*، از سید محمدعلی بن شرف‌الدین؛ *انیس المحجه فی کیفیت الرجعه*، از محمدباقر بن حسین علی فقیه ایمانی؛ *تحفه الشیعه در اثبات رجعت و ظهور*

ائمہ علیہم السلام، از سید حسین بن نصرالله؛ *الشموس المضيئه فی الغیبه و ظهور الرجعه*، از علی سعادت پرور؛ *رساله فی علائم الظهور و اثبات الرجعه*، از محمدحسین سیم؛ *رساله فی اثبات الرجعه*، از محمدعلی ربانی خوارستگانی؛ *رجعت*، از محمدباقر بهبودی؛ *آیات الحجہ و الرجعه*، از محمد بن علی بن حسن؛ *برهان الشیعہ فی اثبات الرجعه*، از شیخ عباس علی شاهرودی؛ *بشاره الرجعه*، از سیدهبه الله بهشتی لاری؛ *دلائل الرجعه*، از حسن علامی، *بیان الفرقان*، از مجتبی قزوینی؛ *اثبات الرجعه*، از ملا محمد ولی الله هاشم اشراقی سرابی؛ *ایمان و رجعت*، از سید احمد بن عنایت الله حسینی؛ *رجعت*، از ابوالحسن رفیعی قزوینی؛ *ایمان و رجعت*، از سید جلال الدین محدث ارموی؛ *الحجہ و الرجعه*، از محمدبن حسین بن مهدی مهدوی لاهیجی؛ *تنبیه الامه فی اثبات الرجعه*، از محمدرضا طبسی؛ *پاسخ نامه از گلی*، از فیض الاسلام سید علی نقی؛ *الشیعہ و الرجعه*، از محمدرضا طبسی خراسانی؛ *مسأله رجعت*، از غلامحسین رضا نژاد؛ *النعجه فی اثبات الرجعه*، از سید علی نقی تقوی؛ *بحث حول الرجعه*، از سید محمد صدر؛ *رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی*، از محمد خادمی شیرازی؛ *الرجعه أولعود إلی الحیاه الدنیا بعد الموت*، از هیئت مرکز رساله؛ *داستان های از بازگشت ائمه علیهم السلام به دنیا*، از سید احمد الله حسینی؛ *مسأله رجعت از دیدگاه قرآن و سنت و عقل*، از محمدعلی موحد ابطحی؛ *الدین و الرجعه*، از محمدحسن تبریزی؛ *رجعت از نظر شیعه*، از نجم الدین طبسی؛ *رجعت از دیدگاه عقل قرآن و حدیث*، از حسن طارمی و *رجعت*، از محمدرضا ضمیری. تفصیل این کتابها، در پیشینه رجعت نگاری گذشت.

ب) از لحاظ کیفیت

بسیاری از کتابهایی که اصحاب ائمه علیهم السلام و علمای قدیم در علوم مختلف جمع آوری

پیشینه رجعت‌نگاری در شیعه و تحلیل کمیت و کیفیت آن ▶ ۹۷

کرده بودند، به دو علت و انگیزه از بین رفتند:

۱. هراس پیروان مکتب اهل بیت و علمای شیعه در طول تاریخ از حاکمان و سردمداران وقت تا جایی که آنان را به قتل می‌رسانیدند و کتابخانه‌هایشان را آتش می‌زدند؛ چنان‌که درباره کتابخانه مهم و معظم «بین‌السورین» بغداد، این عمل نفرت‌انگیز را اجرا کردند. آری در این‌گونه حوادث و آشوب‌ها، آن قدر کتب شیعه از بین رفته که از تعداد آن‌ها کسی جز خدای دانا اطلاع ندارد.

۲. دانشمندان شیعه، تنها به جنبه‌های آموزش علمی توجه می‌کردند که مقدمه استنباط احکام شرعی و پایه به دست آوردن فقه اسلامی بود و به روایات و متون دیگر اهمیتی نداشتند. (عسکری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۶۷) بنابراین، با آن‌که بسیاری از منابع رجعت به ویژه نوشته‌های پیش از حکومت صفویه و همچنین رساله‌های آن دوره در اختیار ما نیست، با توجه به نقل‌های منابع موجود، تا حدودی به سبک و سیاق آن‌ها می‌توان پی برد و آن‌ها را در این تحلیل شرکت داد. به‌طور کلی اکثر قریب به اتفاق منابع رجعت، تکیه بر نقل کرده و به اقامه دلایل ضرورت وقوع رجعت از راه روایات و همچنین زیارت نامه‌ها پرداخته و در مواردی که به آیات قرآن استدلال نموده‌اند، آن را نیز از روایات فراگرفته‌اند و از فراوانی روایات استفاده معنوی نموده و این مسأله را اثبات شده انگاشته‌اند.

بررسی و نقد روایات مختلف از جهت سند و متن، در منابع قدیم و نوشته‌های جدید، جایی ندارد؛ حتی اگر نتیجه این نقد، از دست دادن بسیاری از روایات و زیارت‌نامه‌ها باشد. اما آنچه با قوت سند و استحکام متن توان ماندن در عرصه را می‌یابد، بسیار بارزتر از تعداد مثلاً ششصد دلیل نقلی است که به ضعف بسیاری از آن‌ها یقین داریم و چه بسا با اثبات ضعف بعضی از آن‌ها، به همه آن‌ها، بی‌اعتماد شویم زیرا اصولاً یکی از آفات تکثیر دلایل، آن است که با از میدان به در رفتن تعداد زیادی از آن‌ها، دلایل هرچند نسبت به کل دلایل، درصد چشم‌گیری نباشد، اطمینان به درستی بقیه دلایل اجمالاً مفید است. این نقد به ویژه هنگامی ضرورت می‌یابد که با بررسی سندی بعضی از روایاتی که مثلاً در بحار آمده، به این نتیجه برسیم که تعدادی از غالیان یا متهمان به غلو، همانند ابوالخطاب، یونس بن طیبیان، منخل بن حمیل، موسی بن سعدان، عمر بن شمر، محمد بن سلیمان دیلمی، حسن بن شَمّون، عبدالله بن قاسم حضرمی و... وجود دارد. (صفری، ۱۳۷۸: ۳۵۹)

با توجه به تبلیغ گسترده غالیان از مسأله رجعت، می‌توان سوءظن به چنین روایاتی را درست دانست، هرچند بعضی ممکن است چنین ادعا نمایند که افراد یاد شده این روایات را قبل از غلو و هنگامی که روایات کرده‌اند در طریقه مستقیم بوده‌اند. از سوی دیگر، با بررسی متن بعضی از روایات، به ویژه در مواردی که به بعضی از آیات استدلال شده، آن را در ظاهر ناهماهنگ با قرآن می‌بینیم که این مسأله نیز سوءظن را برمی‌انگیزد. با این همه، در میان این روایات و نیز موارد استدلال به آیات قرآن، مواردی را نیز می‌یابیم که صحیح‌السند و از استحکام متنی برخوردار است و به تهایی و بدون کمک گرفتن از روایات ضعیف، می‌تواند اصل مسأله رجعت و بعضی از کیفیات آن را روشن سازد؛ چنان که بعضی ادعا کرده‌اند که مسأله رجعت را با پنجاه حدیث صحیح‌السند اثبات کرده‌اند. (اشراقی سرابی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱)

یکی از نتایج مهمی که بر نقد چنین روایاتی مترتب می‌شود، آن است که بسیاری از کیفیت‌های رجعت همانند رجعت کنندگان، پیشوایان در رجعت، طول عمر آن‌ها، کیفیت دولت آن‌ها و غیره، همانند اصل ضرورت وقوع رجعت، جز از طریق روایات ممکن نیست؛ درحالی که بسیاری از روایاتی که در این موارد سخن گفته‌اند، معتبر نیستند و نقد این روایات، می‌تواند تصویر شفاف‌تر و درست‌تری از مسأله رجعت به دست ما بدهد. اما فقدان چنین نقدی، می‌تواند چهره این مسأله را با کیفیات مختلف منقوله آن، هرچه بیش‌تر، مستعبد نماید و پذیرش آن را برای بسیاری دچار مشکل سازد.

شاید بتوان گفت یکی از دلایل نفی این نقد، این بود که علما، مسأله را ثابت شده پنداشته و در این مسأله درصد تکثیر دلیل بوده‌اند و هیچ نقد و بررسی در مورد روایات از آن‌ها دیده نمی‌شود. برای مثال، در احادیث *بحارالانوار* در هیچ موردی به نقد سندی این روایات برمی‌خوریم؛ حتی در مواردی که ضعف سند آن به ویژه برای نقادی هم‌چون علامه مجلسی روشن است که نقدهای او در *مرآة العقول* شهرت دارد. البته می‌توان این مسأله را تا حدودی با مشرب مجلسی در *بحارالانوار* که بنای نقد نداشته توجیه نمود و کسانی که بعد از آن، کتاب نوشتند، به این نکته توجه نکردند و شاید تمسک کردن آن‌ها به این گونه موارد، به سبب این بود که قدما یا متأخران مانند علامه مجلسی هر چه نقل کرده‌اند، از کتاب‌هایی بوده که به انتساب آن کتاب به صاحبش اعتماد

پیشینه رجعت‌نگاری در شیعه و تحلیل کمیت و کیفیت آن ▶ ۹۹

داشتند و یا اگر نداشتند، روایتی را می‌گرفته‌اند که در کتاب‌های معتبر دیگر نیز وجود داشته است. (مجلسی، بی‌تا، ج ۱، ۲۶) به هر حال، نبود چنین نقدی از سوی طرفداران نظریه رجعت و جدا نکردن غث از سمین این روایات، باعث شده تا منکران این مسأله همانند شریعت سنگلجی و عبدالوهاب، میدان ببینند و به راحتی بتوانند با اثبات ضعف روایات و اظهار احتمال ضعف در روایات دیگر، به انکار این مسأله پردازند که بعضی آن را تا حد ضروری مذهب بالا برده‌اند.

جالب آن که ردیه‌نویسان کم‌تر به این ضعف توجه کرده و کوشیده‌اند با جواب‌های کلی و با استناد به کثرت روایات یا تمسک به گفتار بزرگان شیعه هم‌چون شیخ مفید، شیخ صدوق، سید مرتضی و... سخن خود را به کرسی بنشانند؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد بهتر آن بود که به نقدهای این دو بر روایات توجه می‌کردند و با جداسازی روایات ضعیف از صحیح، حدود مسأله را روشن و به آسانی آن را اثبات می‌نمودند.

نتیجه

کتاب‌هایی که در ردّ رجعت نوشته شده به چند علت است: یک: نداشتن معرفت به این عقیده (رجعت)، لذا گاهی آن را استبعاد عقلی و گاهی تناسخ می‌گویند.

دو: نبود مطالعه، درست، دقیق و مستند تاریخی درباره این مسأله لذا گاهی آن را عقیده یهود و غلات معرفی می‌کنند.

سه: گاهی مطالبی در روایات ذکر شده که است، برای کسانی که به قدرت خداوند متعالی و به مناقب اهل بیت علیهم‌السلام معرفت کافی ندارند؛ تحمل ناپذیر است.

چهار: تعصب شدید و ترس از عواقب کار. به همین علت، جابر بن یزید جعفی که همه او را قبول داشتند، وقتی چنین مسأله‌ای را اظهار می‌کند، رد می‌شود و او را دروغ‌گو معرفی می‌کنند.

عوامل هرچه باشد، برای پژوهش‌گر لازم است عقیده‌ای را که می‌خواهد رد کند، درباره آن خوب مطالعه نماید و از افراط و تفریط و تعصب دوری جوید.

کتابنامه

- احمدبن علی، ابوالعباس (۱۴۱۸). رجال نجاشی، قم، اسلامی.
- اشراقی سرابی، محمدرولی الله بن هاشم (۱۳۶۳). اثبات الرجعه، تهران، چاپ خانه رضایی، ج ۱.
- ابن شاذان، فضل (۱۴۰۹). اثبات الرجعه، قم، مؤسسه آل البيت.
- تهرانی، شیخ آقا بزرگ (۱۴۰۴). طبقات اعلام الشیعه، مشهد، دارالمرتضی، ج ۲ و ۱۷.
- _____ (۱۴۰۸). الذریعه إلى تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان، ج ۱، ۱۰ و ۲۳.
- حسین، سیدالطاف (۱۳۲۳). پژوهش الرجعه، دهلی نو، مطبع یوسفی.
- حسینی، سیداحمد (۱۴۰۴). تراجم الرجال، قم، مجمع ذخائر الاسلامیه.
- خادمی شیرازی (۱۳۷۰). رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی، ویرایش علی اکبر مهدی پور، قم، مؤسسه غدیر.
- شریف رازی، شیخ محمد (۱۳۵۲). گنجینه دانشمندان، تهران، ناشر کتابفروشی اسلامی، ج ۳.
- شیخ طوسی (۱۴۰۸). الفهرست، قم، نشر فقاقت.
- شیخ مفید (بی تا). مسائل السروریه، قم، کنگره شیخ مفید.
- صاحب، رحمان علی (۱۹۱۴). تذکره علماء هند، دهلی نو، مطبع منشی نو کشور مقام لکهنو.
- صفری، نعمت الله (۱۳۷۸). غالیان، مشهد، بنیاد و پژوهش های اسلامی.
- طبسی، محمدرضا (۱۳۷۵). الشیعه والرجعه، تصحیح عمادالدین طبسی، نجف، چاپخانه حیدریه، ج ۲.
- طبسی، نجم الدین (۱۴۰۰). رجعت از نظر شیعه، قم: مؤلف.
- عاملی، شیخ حر (۱۳۶۲). الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ترجمه احمد جنتی، تهران، ناشر انتشارات نوید.
- عسکری، سیدمرتضی (۱۳۷۵). عبدالله بن سبا، قم، مجمع علمی اسلامی، ج ۳.
- عقیقی، غلام علی (۱۳۲۳). دلائل الرجعه، تهران، شرکت سعادت.
- فرید، عبدالوهاب (۱۳۵۵). اسلام و رجعت، تهران، چاپخانه دانش.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۲۷). فوائد الرضویه، تهران، کتابخانه مرکزی ناصر خسرو.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۰). رجعت، تصحیح ابوذر بیدار، تهران، انتشارات قلم، ج ۱.
- _____ (بی تا). بحار الانوار، تهران، مکتبه الاسلامیه، ج ۵۳ و ۵۲.
- مجله کتاب ماه دین (۱۳۸۱). شماره ۶۲، آذر، تهران.
- الیاس پور، اکبر (۱۳۶۰). تاریخ حدیث شیعه در عهد صفویه (بایان نامه)، قم، جامعه المصطفی.